ساداتی‌نژاد:

پذیرش «سی اف تی» راه را برای تحریم‌های بیشتر علیه ایران باز می کند

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفت: پذیرش «سی اف تی» راه را برای تحریم‌های بیشتر علیه ایران باز می‌کند.سید جواد ساداتی‌نژاد در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری رسا در کاشان، با اشاره به تصویب «سی اف تی» در مجلس گفت: وزیر اسبق اقتصاد ایران ۴۱ بند از ۴۲ بند «اف ای تی اف» را پذیرفته بود و تنها یک بند آن که شاه‌کلید اصلی برای پیوستن به کنوانسیون «اف ای تی اف» «تأمین مالی تروریسم» بود را مجلس شورای اسلامی تصویب کرد. وی با اشاره به اینکه ارتباط بین «سی اف تی» و «اف ای تی اف» این است که با تصویب «سی اف تی» شرایط برای ورود به «اف ای تی اف» مهیا می‌شود، افزود: هیچ ضمانتی وجود ندارد که با وجود پذیرش «سی اف تی» بلافاصله ایران را از لیست خاکستری خارج کنند.به گفته وی، تجربه برجام نشان داده ایران همیشه به تعهدات خود عمل کرده است اما طرف مقابل به ویژه آمریکا به تعهداتش عمل نکرده و امروز نیز با پذیرفتن «سی اف تی» هیچ تضمینی وجود ندارد که این تجربه تاریخی باردیگر تکرار نشود.ساداتی‌نژاد با اشاره به اینکه قبل از پذیرش آخرین بند از ۴۲ بند و تصویب نهایی «اف ای تی اف» در مجلس باید برای اعتمادسازی حداقل پنج سال ایران را از لیست سیاه خارج می کردند و بعد آن را در مجلس تصویب می کردند، گفت: امروز که مجلس «اف ای تی اف» را تصویب کرد همانطوری که وزیر امورخارجه ایران نیز در مجلس اعلام کرد هیچ تضمینی وجود ندارد ایران را یک هفته بعد از لیست خاکستری «اف ای تی اف» خارج کنند.عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با اشاره به اینکه مصداق و مفهوم تروریسم در بند ۲ کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم تعریف شده است و بند ۶ آن اجازه حق تحفظ و شرط را از کشورها می گیرد، عنوان کرد: تصویب «سی اف تی» می‌تواند سبب تشدید تحریم ها شده و برای تحریم‌های بیشتر بهانه به دست دشمن بدهد. ساداتی‌نژاد یادآور شد: امروز که حدود ۲۰ ماه است ایران از لیست سیاه خارج شده و در لیست خاکستری قرار گرفته است این تعلیق چه دستاوردی برای ایران داشته است که امروز با تصویب «سی اف تی» مشکلات کشور حل شود.

گفت‌وگو

ابراهیم رزاقی در گفت‌وگو با رسالت:

شاهد شکل گیری طبقه مُفت بران در کشور هستیم

یک کارشناس اقتصادی گفت: امروز شاهد شکل گیری طبقه مُفت بر و رانت خوار در کشور هستیم، آنها صاحب نفوذ بوده و اغلب به غارت دارایی مردم در بانک ها می پردازند و بعد هرگونه غارت و اختلاس را منکر شده و مدعی اند که وام معوقه دارند!

ابراهیم رزاقی با اشاره به شکل گیری فساد در کشور اظهار کرد: فساد در کشور از آنجایی آغاز شد که پس از دفاع مقدس، بسیاری از مدیران جهادی کنار گذاشته شدند درحالی که سایر کشورهای جهان از ظرفیت افراد حاضر در جنگ برای بازسازی کشور و اصلاح امور اقتصادی استفاده می کنند اما در ایران، پس از روی کارآمدن دولت سازندگی، رئیس این دولت عنوان کرد، جنگ تمام شده و به خانه هایتان برگردید.

وی ادامه داد: این افراد با برگزاری دوره های آموزشی ساده می توانستند به دلیل اعتقاداتی که دارند دربسیاری از امور کار گشته شوند اما این اتفاق نیفتاد و روحیه ایثار و جهاد و از خودگذشتگی کنار گذاشته شد و در واقع آدم هایی به کار گرفته شدند که شاید متخصص بودند اما لزوما متعهد نبودند و سیاست های سرمایه داری لیبرال را پیاده سازی کردند و این مسئله اولین مرحله اشاعه فساد بود.

این کارشناس اقتصادی افزود: دولت سازندگی با خصوصی سازی و رانت، برخی از افراد را صاحب ثروت کرد درحالی که طبق قانون اساسی نباید این کار را می کرد. برخلاف سایر کشورها که افراد با تلاش به ثروت می رسند، در ایران افراد خاص از طریق رانت و رابطه به آب و نانی می رسند و یکدفعه طرف میلیاردر می شود.

رزاقی گفت: در حال حاضر ۶۰ درصد مزد و حقوق بگیران زیر خط فقرند، آنگاه آدم های فاسد آن طور که باید و شاید مجازات نمی شوند، حتی مشخص نیست که همه قاضی ها با مفسدان برخورد کنند. حتما اگر قاضی انقلابی و جهادی باشد برخورد صورت می گیرد، در غیر این صورت خیر. از سوی دیگر ما امروز شاهد علنی شدن مقابله با فساد هستیم درحالی که رئیس جمهور کشورمان مدعی می شود که با بگیر و ببند نمی شود مملکت را اداره کرد و این حرف به معنای آن است که مفسدان را محاکمه نکنید درحالی که خیلی از این مفسدها محاکمه نشده و نوازش می شوند.

وی عنوان کرد: پانصد هزار میلیارد تومان از صندوق ذخیره فرهنگیان برداشت شده و آقای روحانی می گوید این وام معوقه است و اختلاس نیست و این مسائل باعث شده فساد سازمان یافته شود و آدم های فاسد از یکدیگر دفاع کنند. دولت اصلا حاضر نیست ببیند چه کسی چقدر ثروت دارد و مالیات هم دریافت نمی کند، این کاری که ما می کنیم در تمام دنیا بی نظیر است.

این کارشناس اقتصادی تاکید کرد: کشور ما باید از طریق مالیات اداره شود اما از طریق نفت اداره شده و از ثروتمندان مالیات هم نمی گیریم در نتیجه این عناصر یعنی بخش خصوصی، وارداکنندگان با دلار ارزان، مفسدین بانکی و آنهایی که مالیات نمی دهند باعث شکل گیری طبقه رانت خوار و مفت بر شده اند. در حالی که این ها یارانه هم می گیرند.

وی یادآور شد: متاسفانه برخی از تصمیم گیران و سیاستگذاران و کسانی که قدرت را اعمال می کنند، عموما فاسد هستند اما افراد انقلابی در حاشیه قرار گرفته اند و فضا را بر مدیران جهادی تنگ کرده اند.

وی تاکید کرد: هرچه عرصه را بر مدیران جهادی تنگ تر کرده ایم به همان نسبت به طبقه مُفت بر و رانت خوار میدان داده ایم، این ها صاحب نفوذ بوده و اغلب به غارت دارایی مردم در بانک ها می پردازند و بعد هرگونه غارت و اختلاس را منکر شده و مدعی اند که وام معوقه دارند.

رزاقی بیان کرد: در شکل گیری این فضا بانک ها مقصرند، آنها به گونه ای عمل کرده اند که حداکثر سود بدست مسئولین شان برسد و در واقع سپرده های مردم را برای دلالی و وام دادن به دانه درشت ها مورد استفاده قرار داده اند، آنگاه این بانک ها تبدیل به معاملات ملکی شده اند و یکی از عوامل افزایش قیمت مسکن و اجاره همین ها هستند.

به گفته وی، بانک ها بزرگ‌ترین عامل بازدارندگی توسعه اقتصادی کشور هستند و مسئولینی بر سرکار هستند که با این فضا موافق اند و اعتقادی به دستگیری سوء استفاده کنندگان ندارند.

سه نکته

ادامه از صفحه اول

۲- یکشنبه گذشته نمایندگان مردم در مجلس، لایحه پیوستن به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، موسوم به سی.اف.تی، را تصویب کردند. قبل از تصویب، برخی نمایندگان پیشنهاد دادند رأی علنی باشد تا گوهر گمگشته شفافیت، در این مقوله خود را نشان دهد، چون فلسفه و حکمت این لایحه نیز ارتباط مستقیم با شفافیت داشت. اما موافقان این لایحه حاضر نشدند رأی خود را علنی کنند و فوایدی را که مدعی بودند مترتب بر تصویب این لایحه است صادقانه به اثبات رسانند. موافقان لایحه مدعی بودند تصویب آن به نفع منافع و مصالح ملی است. پس چرا از دادن رأی شفاف و علنی پرهیز کردند؟!

۳- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، یک قانون معتبر برای ایجاد یک فضای شفاف و آزاد در عرصه رسانه است و به مردم و رسانه ها حق دسترسی به اطلاعات عمومی را می دهد و مؤسسات عمومی مکلفند اطلاعات موضوع این قانون را در حد اقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترس عموم قرار دهند. اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است. علاوه بر موارد قانونی موجود باید از طریق انتشار و اعلان عمومی در رسانه های همگانی به اطلاع مردم برسد. اما فضای عمومی دولت در مواجهه با این حق الناس، نه تنها به سمت و سوی شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات نیست بلکه فضای بگیر و ببند نیز بر آن حاکم است. ۳۱ فقره شکایت دولت از روزنامه کیهان به اتهام روشنگری و روایت اطلاعات مشهود، پذیرفته نیست.

رئیس جمهور در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری در تاریخ ۱۲ مرداد ۹۲ گفت: «خدایا! به تو پناه می برم از استبداد رأی، عجله در تصمیم گیری، بستن دهان منتقدان و رقیبان و...»

آیا با شرایط موجود، واقعاً خدا به او پناه خواهد داد؟ دولت باید رفتار خود را تصحیح کند و هزینه روشنگری را این قدر بالا نبرد.

آیت‌الله مکارم‌شیرازی:

دولت در مشکلات گرانی بی‌تقصیر نیست

استاد برجسته حوزه علمیه قم گفت: دولت در مشکلات گرانی بی‌تقصیر نیست. به گزارش ایسنا، آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی در درس خارج فقه خود با اشاره به مشکلات کنونی کشور و گرانی و افزایش قیمت دوباره دلار با تاکید بر اینکه هر فرد و نهادی باید مسئولیت خود در مشکلات را بپذیرد و به گردن دیگران نیندازد، تصریح کرد: همه اصلاح را از خود شروع و توسل به معصومین و توکل به خدا کنند و از کسانی که به اربعین می‌روند برای حل مشکلات همه کشورها مخصوصا کشور خودمان دعا کنند تا بتوانیم این وضع را پشت سر بگذاریم.وی تصریح کرد: اسباب و سرچشمه مشکلات را باید بررسی و هر کسی به سهم خود مسئولیت بپذیرد و اصلاح را از خود شروع کند.وی با بیان اینکه در قضیه گرانی و افزایش قیمت دلار دولت مقصر است، بیان کرد: معمولا در جامعه ما همه مشکلات را گردن همدیگر می‌اندازند؛ دولت گردن مردم و مردم گردن دولت ولی همه مقصرند. وی ادامه داد: در قضیه دلار وقتی دولت آن را ۱۰ هزار تومان می‌خرد معلوم است که نمی‌خواهند از این قیمت کمتر شود و دست خودشان در آن دخیل است. این مرجع تقلید با بیان اینکه حکم محتکر در اسلام روشن است و باید پلمب انبارها شکسته و اجناس آن به قیمت عادلانه در بازار پخش شود، اظهار کرد: قوانین قضائی ما ناقص است به همین دلیل این کار را انجام نمی‌دهند در صورتی که حکم شرع درباره احتکار آن است که درب انبار را باز کرده و اقلام احتکار شده را با قیمت عادلانه به مردم بفروشند.

کوثری: رسیدگی به شفافیت مالی نمایندگان مهم‌تر از تصویب «سی اف تی» بود

جانشین فرماندهی قرارگاه ثارالله تهران گفت: رسیدگی به شفافیت مالی نمایندگان، مهم تر از تصویب «سی اف تی» بود.سردار اسماعیل کوثری در گفت و گو با خبرنگار حوزه دفاعی و امنیتی گروه سیاسی خبرگزاری آنا در رابطه با تصویب لایحه «سی اف تی» در مجلس گفت: «اف ای تی اف» که به‌ظاهر با پولشویی مبارزه می‌کند و نمایندگانی که شفافیت مالی را مدنظر دارند و این همه سنگ آن را به سینه می‌زنند تا دست آمریکا آتویی ندهیم، بدانند که این یک دروغ محض است.وی افزود: اگر بحث شفاف‌سازی مطرح است، چرا نماینده‌ها در رابطه با اصل ۲۹ قانون اساسی اقدام خاصی صورت نمی‌دهند؟ برای اینکه آتویی به دست دشمن ندهند، شفاف‌سازی در مبادلات مالی خارجی کشورمان را قبول می‌کنند اما وقتی به خودشان می‌رسد به شفاف‌سازی رأی نمی‌دهند.جانشین فرماندهی قرارگاه ثارالله تهران با بیان اینکه بعضی از نمایندگان مجلس تابع سازمان و حزب خودشان هستند، گفت: هرچه آنها بگویند باید نمایندگان عمل کنند، زیرا با حمایت آنها نماینده مجلس شده‌اند.کوثری برخی از این نمایندگان را دل‌باخته غرب دانست و افزود: این نماینده‌ها آن‌قدر که دل در گرو غرب دارند به فکر منافع ملت نیستند و برای توجیه این رفتارشان می‌گویند می‌خواهیم بهانه را از دست آمریکا بگیریم.اگر می‌خواهند بهانه را از دست آمریکا بگیرند اول به شفافیت عمل کنند بعد برای «سی اف تی» تصمیم‌گیری می‌کردند.وی «سی اف تی» را ابزار دشمن برای کسب اطلاعات کشورمان که می‌تواند از آنها برای مقابله با ما استفاده کنند، توصیف کرد.

بیانیه ۹۰۰ استاد دانشگاه؛ دچار بن‌بست نیستیم، دولت ناکارآمد است

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس، ۹۰۰ استاد دانشگاه در پاسخ به نامه ۲۹۰ نفر از دانشگاهیان اصلاح طلب درباره مسائل جاری کشور اعلام کردند: از رویکرد عقیم «بحران – بن بست» به فرآیند ملّی «ظرفیت – راه حل» بپیوندید!

متن این بیانیه به شرح زیر است:

« در بیانیه‌ای که طی روزهای اخیر از سوی برخی از افراد دانشگاهی و سیاسی وابسته به گروه های اصلاح طلب و همسوی دولت منتشر شده است، ادّعاهای گرانبار و وارونه‌ای نسبت به انقلاب و نظام اسلامی مطرح گردیده که نمی توان از آن، به سادگی عبور کرد یا آن را نادیده انگاشت.

همچنان که قابل پیش بینی بود، به‌دنبال چالش های ساختگی و ناشی از سطحی اندیشی و بی عملی کارگزاران اصلاح طلب و تکنوکرات در حوزه اقتصاد، موج ها و تحرّکاتی از نوع نامه نگاری ها و بیانیه پراکنی ها به راه افتاده و خواهد افتاد تا توصیه ها و تجویزهایی چنین کم مایه و غیرعلمی (و بعضاً دون شأن علم و عالمان)، در چارچوب شرایط پیش ساخته شده و تصنّعی، معنادار و موجّه شوند، حال آن‌که واقعیّت، آنچنان هم پوشیده و پنهان نیست که نتوان درست را از نادرست بازشناخت و متّهم را بر جای شاکی نشاند.

بر این اساس، گویا اگر بیش از این، خاموشی گزینیم و به نفع پاره ای از ملاحظات و مصالح، روشنگری نکنیم، جریان های سیاسی، حقایق را آنچنان معکوس جلوه خواهند داد که به تدریج، افکار عمومی تصوّر خواهد کرد که این گروه ها، تاکنون حاشیه نشین و منزوی و از قدرت برکنار بوده و اینکه نسخه علاج دردها و امراض را در اختیار دارند! گفتمان اصلاحی مدّنظر نویسندگان خواسته یا ناخواسته درواقع ترجمان به روز شده ای از استحاله انقلاب اسلامی است که سال ها پیش مطرح کرده و امروز به بهانه مشکلات معیشتی عدیده مردم– که دستپخت مدیریت خود ایشان و همسویان آنها است- تصور می کنند که می توانند آن را آشکار نمایند. کسانی که در عمده سال های بعد از انقلاب، زمام مدیریت دولتی و سیاستگذاری های پولی و بانکی را در دست داشته اند باید پاسخگو باشند، نه طلبکار و مطالبه گر!

هر زمان تفکر انقلابی در عرصه ای از عرصه های مدیریت کشور اعمّ از امنیت، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع حاکم بوده آن عرصه کارآمد، کامیاب، موفق و موجد رضایت عمومی و اجتماعی شده و هر زمان تفکر انقلابی کنار گذاشته شده و به نسخه های غیربومی، غیردینی و غیر انقلابی عمل شده، منشأ ایجاد برخی آسیب های اجتماعی، مفاسد اقتصادی یا اشکالات مدیریتی در حوزه اقتصاد و اجتماع شده است.

نکاتی درباره کلیّت نامه

۱- علی رغم نمای دانشگاهی عنوان نامه و اسامی نویسندگان، ادبیات و متن نامه، به شدت سیاسی و سیاست زده است. این نقیصه شاید از آن روی در نامه پدید آمد که برخی از سرشناسان احزاب سیاسی رادیکال نیز در جمع امضاکنندگان حضور دارند. همچنین باوجود آمارهای دقیق مراکز رسمی در مورد شاخص هایی چون ضریب جینی، تعداد افراد زیر خط فقر، میزان درآمدها و سطح زندگی مردم در کشور، تعابیر به کار رفته توسط دانشگاهیان محترم نویسنده نامه به گونه ای است که گویا درباره کشوری جنگ زده صحبت کرده و فلاکت و بدبختی گریبانگیر آحاد مردم کشور است! تعابیری که با هیچ مرجع آماری داخلی و بین المللی همخوانی ندارد. یک استاد دانشگاه نباید بدون ارجاعات دقیق و منابع موثق، حرف های عمومی، کلی، غیرمستند و غیرعلمیِ افواهی را تکرار کند.

۲- متن نامه از خلط مباحث ساختاری، راهبردی، منابع انسانی و مباحث تئوریک رنج می برد. نویسندگان از مغالطه مشهور «جمع المسائل فی مسئله واحده» در راستای القاء مطالب مدّنظر خود، بهره گرفته و تفکیکِ دسته بندی شده و منطقی از مسائل کشور را ارائه نکرده اند. همانطور که استادان محترم در کلاس درس خود با دانشجویان تأکید داشته و می گویند باید از تعمیم های ناروای علمی یک یافته به تمامی سؤالات دیگر احتراز کرد در اینجا نباید خود را مبرّا از این نظارت علمی تلقی کنند.

۳- متن نامه از تضاد و تناقضات درونی رنج می برد؛ به عنوان مثال در ابتدای نامه نویسندگان تأکید می کنند باید تکیه گاه عمومی ملت را بر پایه های امید بگذاریم و تأکید می کنند که به آینده امید داریم، اما متن نامه صادره، مملوّ از سیاه نمایی و القای ناامیدی است و در بندی از نامه تأکید دارند که در امید با افول روبه رو شده ایم.

۴- متن نامه شامل لیستی از مشکلات، چالش ها، بحران ها و مسائل است که نگارش این لیست بلند بالا هنر و دانش ویژه ای نمی خواهد؛ اما نامه در بخش راه حل ها به کلیّات و بیان عبارات کلی و عمومی بسنده کرده و از ارائه راه حل علمی، کارشناسی، عینی، دقیق و سیاست پژوهانه و سیاست گذارانه ناتوان بوده است. مدلی که نویسندگان نامه در پیش گرفته اند مدعی مدل "بحران – راه حل" است؛ یعنی ارائه تصویری بحرانی از جامعه و سپس راه حل هایی مبتنی بر آن که این روش شناسی در اکثر حوزه ها ناگزیر نتیجه ای جز "بحران – بن بست" ندارد. ایراد اساسی این مدل آن است که بر پایه ناامیدی از شرایط موجود بنا شده که با ادعای امیدواری نویسندگان در ابتدای نامه همخوانی ندارد. در حالی که اگر با نگاه واقع بینانه به شرایط موجود و امیدوارانه به آینده نگاه کنیم، باید مدل مسئله تغییر کرده و به "ظرفیت – راه حل" منتهی شود. توصیف اگر با تجویز همراه نباشد چه خاصیتی برای مدیران کشور دارد؟

۵-سوگیری سیاسی و سیاست زدگی نامه زمانی آشکار می شود که در بیان مشکلات و ارائه راه حل ها به همه نهادها به ویژه نهادهای حاکمیتی تحت نظر رهبری تاخته شده اما هیچ انتقادی نسبت به دولت مستقر و قوه مجریه همسو مطرح نشده است؛ حتی آنجاکه از مشکلات معیشتی مردم سخن می گوید که مشخصاً مسئول آن دولت محترم است؛

۶- این نامه هم مانند موارد مشابه منتشره از سوی این جریانات، عمده مشکلات و راه حل شان را در راه حل های سیاسی و آزادی های اجتماعی بیان می کند. سیاست زدگی نامه آنجا اوج می گیرد که یکی از راه حلهای عاجل خروج از بن بست های ادعایی نویسندگان در موضوعات زیست محیطی و نظایر آن، رفع حصر! و آزادی زندانیان سیاسی! عنوان می شود. آیا منظور از زندانیان سیاسی امثال رامین حسین پناهی تروریست است که قاتل شهروندان عزیز کشورمان بوده یا جاسوس های آمریکا و اسرائیل که در نقش فعال رسانه ای فعالیت می کرده اند؟! آیا به راستی راه حلّ خشکسالی کشور، اعلام عفو عمومی است؟! آیا این ادعاها با سلوک دانشگاهی کمترین نسبتی دارد؟

در این خصوص، نویسندگان محترم همان حرفهای تکراری و همیشگی خود را که دو دهه قبل هم مطرح می کردند، بازنویسی نموده اند. مطالبات نخ نماشده ای از قبیل انتخابات آزاد، حقوق زنان، آزادی بیان و رسانه و توجه به حقوق شهروندی! ادعای نبودِ انتخابات آزاد در حالی است که هم اکنون دولت و مجلس با نظام انتخاباتی مترقی در اختیار کامل و نسبی جریان اپوزیسیون نمای نامه است؛ رسانه ها و آحاد مردم به راحتی و در هر مکانی از بالاترین مقامات و نهادهای کشور انتقاد می کنند؛ شاهد رشد خیره کننده زنان تحصیلکرده و اعضای هیئت علمی، زنان ورزشکار و وکیل و نویسنده نسبت به قبل از انقلاب هستیم و با منتقدان به خاطر "اعتقادات شان" برخورد نمی شود.

۷- سیاه نمایی و وارونه نمایی و ندیدن واقعیات از ویژگی های برجسته این نامه است. در ادامه و در بخش پاسخ ها برخی از دستاوردهای بزرگ انقلاب در حوزه های مختلف را یادآوری می کنیم تا کمی از واقعیات آشکار شود. البته هنر واقع بینی، هنر مهمی است که از دانشگاهیان انتظار می رود به آن متّصف باشند؛

نکاتی در پاسخ به برخی ادعاهای نویسندگان نامه

نویسندگان نامه با ترکیب گزاره های درست، غلط، واقعیات و وهمیات، دست به غیرواقع نمایی و سیاه نمایی زده و نتیجه گرفته اند برای عبور از بحران های ادعایی باید به گفتمان جدیدی روی آورد؛ شاید معنی این ادعا، آن است که باید از گفتمان انقلاب و آرمان های امام خمینی(ره) دست برداریم و در طی مسیر به تغییر مبنایی مبادرت نموده تا ایران را نجات دهیم؟! در این بین امّا برخی گزاره های خلاف واقع را به عنوان واقعیت جلوه داده و برخی از واقعیات را هم نادیده گرفته اند که در ادامه به پاره ای از آنها خواهیم پرداخت.

الف) واقعیتی به نام جنگ اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران بی تردید در یک وضعیّت خطیر جنگ اقتصادی قرار دارد. به کارگیری واژه «جنگ» برای توصیف موقعیّت اقتصادی اگر تا پیش از خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم های همه جانبه اخیر بر ایران از نظر برخی تحلیلگران داخلی همچنان اغراق آلود می نمود اما در شرایط کنونی واقعیّتی مورد اذعان و اجماع ملّی است. این درجه از صف آرایی و منازعه اقتصادی در مقیاس جهانی و در تاریخ تنش ها و هماوردی های اقتصادی دولت - ملّت ها، وضعیّت بی نظیر و بی سابقه ای را نشان می دهد.

بالابردن درجه تحریم اقتصاد یک کشور به شدیدترین صورت قابل تصور از تحریم اقتصادی را با هیچ استعاره ای جز جنگ نمی توان توضیح داد. هرچند که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مدت ها پیش از شرایط اجماع کنونی بر سر جنگ اقتصادی از استعاره جنگ برای توصیف هماوردی اقتصادی ایران و آمریکا استفاده کرده اند با این حال فراگیر شدن درک جنگی از شرایط اقتصادی کشور علاوه بر روند تصاعدی و حداکثری تحریم های خارجی به علل دیگری هم مربوط است: فرآیندهای مرسوم امتیازدهی و امتیاز گیری های دیپلماتیک با حداکثری ترین حدّ انعطاف قابل تصور از جانب یک کشور هیچ گشایش سیاسی یا اقتصادی را برای ایران در بر نداشته است و در نتیجه نوعی اجماع ملّی شکل گرفته است که حلّ و فصل جنگ اقتصادی دیگر از طریق پروژه صلح و یا حتّی آتش بس اقتصادی موقّت هم ممکن نیست. به عبارت دیگر رنگ باختن رؤیای صلح اقتصادی به زمینه ای برای پذیرش و درک واقعی تری از امر جنگ اقتصادی تبدیل شده است. بخشی از این نقیصه البته به دانشگاه و به خصوص به متون، سرفصل ها و آموزش های علوم سیاسی در کشور باز می گردد زیرا موجب تأسف و تأثر است که علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران نتوانسته است دانش و مهارت مذاکره و نیز ضوابط داد و ستد در مذاکره را به دیپلمات های ایرانی آموزش دهد؛ عدم باور به موقعیّت جنگی یا عدم باور به حلّ و فصل جنگ اقتصادی متأخّر و اتکاء به پروژه صلح اقتصادی طی سال های گذشته موجب شده که فرآیند مقاوم سازی اقتصاد ملّی و آمادگی های اجرایی و اقتصادی متناسب با شرایط جنگی نیز به تأخیر افتاده و جمهوری اسلامی به خصوص قوه مجریّه علی رغم شکل گیری اجماع حاکمیّتی- مردمی بر سر جنگ اقتصادی و لزوم اتخاذ راهبردهای مقاومتی اما تا حدود زیادی در انفعال مدیریّت و تصمیم گیری دولتی قرار داشته باشد. برآیند این وضعیّت انفعالی، تشدید تخریب های اقتصادی و در نتیجه تشدید شرایط جنگی به بالاترین درجات آن است.

ب) واقعی نبودن بن بست

به رغم ادّعاهای نویسندگان نامه، کشور و نظام دچار بن بست نیست، ما دچار «بن‌بست» نشده‌ایم و نباید «بحران کارآمدی دولتی» را به حاکمیت سیاسی نسبت داد؛ چون هیچ بن‌بستی در ظرفیت هویت ملّی ایرانی وجود ندارد و نظام، همچنان از عهده حلّ مسئله‌ها و مشکلات برمی‌آید. باید میان اصل ناکارآمدی دولتی و کلّیت حاکمیّت از یک‌سو، و وجود اختلال کارکردی در برخی نهادها و زیرمجموعه‌های آن، تفاوت قائل شد. این تفکیک و تمایز، نکته دقیقی است که نباید از آن غفلت کرد؛ هرچند که صدور فرمان آتش به اختیار ازسوی رهبریِ نظام خطاب به نیروهای مؤمن اگرچه از آن روی بود که بخش‌هایی از اداره کشور دچار اختلال است، اما حرکت عمومی و کلّی انقلاب و نظام، پیشروانه و تکاملی است.

ازسویی غالب پایش ها و افکارسنجی های معتبر و دقیق نهادهای مرتبط کشور نشان می دهد، دچار «گسست میان مردم و نظام» نشده‌ایم و مردم از انقلاب، ناامید نشده و به این نتیجه نرسیده اند که باید انقلاب و نظام را براندازند؛ چنان‌که حتّی اگر بخش‌هایی از مردم، تجمع کنند و شعارهای تند سَر دهند یا از خود خشونت نشان دهند نیز نباید تصوّر کرد که خروش و خشم شان، ناظر به اصل انقلاب و نظام برآمده از اسلام، قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهِم‌السلام‌است؛چون‌اعتراض‌نسبت‌به«ساخت‌دیوان‌سالاری» و یا اعتراض به روابط رانت جویانه و بوروکراسی شبه مدرن حاکم بر ایرانیان، هرگز به معنی نفی «اصل انقلاب و نظام مردمگرای منبعث از آن» نیست. زیرا طبق افکارسنجی های معتبر تمایل به آرمان های اسلام و انقلاب کماکان در صدر دلبستگی ها قرار دارد.

همچنین باید گفت به رغم خواست دشمنان ایران، ایرانی و انقلاب بزرگ مان دچار «فروپاشی» نمی شود؛ زیرا همچنان عناصر مقوّم جهان اجتماعی ما، در سپهر ایران حضور تعیین کننده داشته و آن را مستحکم و زنده نگاه داشته اند، گو اینکه این وضع، در مواقع حساس و خاص، خودنمایی می کند.

ج) واقعیتی به نام همگرایی مردم و رهبری

علی رغم افول اعتبار اجتماعی برخی کارگزاران تکنوکرات کشور به خصوص مدیران برخاسته از تفکر شبه مدرن نزد افکار عمومی و بدبینی بخشی از مردم به اینکه بعضی مسئولین ارشد توانایی مدیریّت کشور برای برون رفت از وضع خطیر اخیر را ندارند، اما پیمایش های معتبر ملّی نشان می دهد که درجه اعتماد عمومی به حاکمیت و نماد آن با فاصله بسیار معناداری نسبت به سایر کارگزاران، همچنان بالای ۸۰ درصد است. این ظرفیّت عظیم از همگرایی رهبری پرکار و مردم انقلابی در شرایط نامطلوب اقتصادیِ ناشی از تحریم خارجی آمریکای جنایتکار، اروپاییان همدستِ آنها و ناکارآمدی جریان تکنوکرات داخلی همچنان پایه معتبر و سرمایه فراوانی برای اعتماد به نفس ملّی در عبور از شرایط خطیر و امید به آینده است.

د) واقعیتی به نام دولت ناکارآمد

با وجود پیشرفت های چهل ساله انقلاب اسلامی متأسفانه ناکارآمدی دولت تکنوکرات و مؤتلف با اصلاح طلبان باعث ایجاد نارضایتی های اجتماعی در لایه هایی از مردم شده و باید گفت التهاب و نارضایتی اجتماعی، یک «واقعیّت» است و آنچه که سبب این وضع شده، «احساس» نیست، بلکه «وجود بیرونی و عینی» دارد. واقعیّت این است که گذران معیشت برای بخش‌هایی از مردم، دشوار و مشقّت بار شده است، و این وضع، اگرچه تا حدّی در گذشته نیز وجود داشته، اما در ماه‌های اخیر، شدّت و غلظت زیادی یافته و به صورت «ضربه های لحظه ای و دفعی» که تکانه ها و تنش های تهدید کننده می آفرینند، درآمده است. موضوعی که تا چندی قبل خود نویسندگان محترم نامه و همسویان آنها به حساب رقابت گروه های رقیب با دولت مستقر تفسیر می نمودند. بنابراین، نه توقعات/انتظارات/مطالبات/خواسته های مردم، «تخیلی» و «احساس محض» است، نه محرومیّت/ضعف‌ها/ خلأها/ کمبودهایی که اکنون شکل گرفته، بلکه ریشه ها و سرچشمه های حقیقی داشته، و «برساخته»، «تلقینی» و «صوری» نیست. با این وصف ناکارآمدیِ دولت اصلاح طلب و تکنوکرات کنونی جزء فروض مسلّم همه جناح های سیاسی است.

این وضع اجتماعی امّا حاصل «سوء تدبیر» بخش‌هایی از مدیریت اجرائی در لایه هایی از حاکمیّت قابل تبیین است، به این معنی که برخی اجزاء حاکمیّتی، مبتلا به «نقص کارکردی» هستند و در حوزه وظایف و مسئولیّت های خویش، ضعف ها و نقصان هایی دارند. پس آنچه که در سطح سیاسی رخ داده، همانا اثرات و نتایج منفی در سطح اجتماعی در پی داشته است. این ربط علّی وثیق، موجب آن شد پرداختن به دولت در تحلیل اجتماعی ما، منزلت پُررنگ داشته و به نوعی، «دولت‌محوری» در آن به چشم آید.

همچنین آمریکا به‌دنبالِ این است که به اقتصادِ ایران، «شوکِ دفعی و ویرانگر» وارد شود تا مردم در «فشارِ معیشتیِ غیرقابلِ تحمّل»، گرفتار شده و به صورتِ «عصبی» و «انفجاری» و «هیجانی»، در برابر کلّیتِ نظام قرار گیرند. به این ترتیب، عملیّاتی توسط نظامِ معارض حکومت ایران طراحی شده که مشتمل بر مراحل زیر است:

الف. انسداد/ بن‌بست/ درهم‌ریختگیِ ناگهانی و فلج‌کننده اقتصادی (بی‌ثباتیِ اقتصادی)؛

ب. انفجار/سرکشی/عصیان/برانگیختگی/برآشفتگیِ اجتماعی (بی ثباتیِ اجتماعی)؛

ج. تعارضَ/ تقابل/ رویارویی/ تنشِ میانِ جامعه و نظام (بی ثباتیِ سیاسی)؛

د. براندازی/ فروپاشی/ اضمحلالِ نظام.

از این رو می توان جایگاه روش شناختی این نامه را خواسته یا ناخواسته خارج از چارچوب منافع ملّی ارزیابی کرد؛ گو اینکه متأسفانه نگارندگان غفلت کرده اند و در بخشی از این فرآیند ایفای نقش کرده اند.

مطالعه تجربه حاکمیّتی در دوره پساانقلاب تاکنون نشان می دهد که ما همواره گرفتار ضریبی از «اختلال کارکردی» در لایه حاکمیّتی بوده ایم که گاه، عادی و معمول بوده، و گاه، غیرعادی و فرساینده. اما واضح است این اختلال کارکردی نتیجه تفکر غیربومی و غرب محورانه همفکران نگارندگان محترم نامه ۲۹۰ نفره است.

ه) واقعیت نفوذِ نیروهای متجدّد

علّت بنیادی و اکثری پدید آمدن اختلال کارکردی در بخش دولتی، حضور و نفوذ «نیروهای متجدّد» و بی اعتنا به تواناییِ ملّی و اسلامی ایرانیان ازسوی در آن است؛ نیروهایی که بعضاً سوابق و مدعیّات و ظواهر انقلابی دارند، اما دلبسته و شیفته تجدُّد بوده و در وضعیت شبه مدرن هستند و معتقدند باید به ارزش‌های غربی، تن در داد و تسلیم غرب شد. در واقع، نیروهای انقلابی به دو دسته تقسیم می شوند؛ یکی کسانی که با وجود نقش آفرینی در وقوع انقلاب و دوره پس از آن، از گفتمان اصیل انقلاب و امام خمینی(ره) و سعه وجودی هویت ملّی ایرانیان فاصله گرفته و به سوی ایدئولوژی توسعه غیربومی گرایش پیدا کرده‌اند، و دیگری عدّه‌ای که گذر زمانه و تحوّلات سیاسی، خللی در فکر و روحیّه انقلابی شان ایجاد نکرده و آنان با همان شدّت عهد اولیّه انقلاب، دل در گرو ارزش‌ها و اصالت‌های اسلامی و مردم گرایانه دارند و حاضر نیستند از موضع عمل گرایانه، منفعت اندیشانه و اشرافی، به ظرفیت نوپدید انقلاب نگریسته و با بهانه ها و توجیهات مختلف، از انقلاب و سلوک مردمی عبور می کنند.

ازقضاوبه‌عکس‌نظرنویسندگان‌محترم‌نامه،اختلال‌کارکردی‌در حاکمیّت، به سیاست اقتصادی نیروهای تکنوکرات و نسخه های غیربومی در سیاستگذاری ها بازمی‌گردد که در حقیقت، سیاستِ «بی‌سیاستی» است؛ چون آنها می خواهند مسئله اقتصاد را در جایی «بیرون از حوزه اقتصاد»، حلّ کنند. به عبارت دیگر، آنها قصد دارند با «سازوکارهای غیر اقتصادی»، دردها و امراض اقتصادی را برطرف سازند، به این‌صورت که از طریق «مذاکره و عقب نشینی از مواضع انقلاب»، «تحریم های اقتصادی» را برطرف کنند تا امکان «سرمایه گذاری خارجی» فراهم گردد. به این ترتیب، آنها معتقدند که ما از نظر درونی، «ظرفیّت» و «استعدادها»ی کافی برای رشد و شکوفایی اقتصادی نداریم و نمی‌توانیم بدون سرمایه‌گذاری خارجی، گرهی را بگشاییم. در این حال، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با این‌که از آغاز، با چنین راه حل های برجامی موافق نبود، بلکه نسبت به تحقق آن نیز خوش‌بین نبودند، امّا مسیر را در برابر چنین فکری، مسدود نکرده و مجال دادند تا نسخه یاد شده، به اجرا گذارده و تجربه شود روش شناسی غیربومی که ناتوانی اش در رفع مشکلات ایرانیان بر همگان واضح شده است؛

همچنین امروز مشخص گردیده که این نسخه «غرب‌مَدار» و «برونمحور»، راه به جایی نخواهد برد و از حیث عقلی نیز، عملی نخواهد شد حتّی دست کم، برخی پیشرفت های صوری نیز از نزدیکی و سازش با غرب پدید نیامد. از طرف دیگر، معطّل و معوّق نگاه داشتن اقتصاد ملّی و گره زدن آن به سرنوشت مذاکرات و توافقات خارجی، موجب شد نه فقط در طول این مدّت، «رکود» اقتصادی بی‌سابقه به وجود آید، بلکه با رفع نشدن تحریم های غربی و خارج شدن ایالات متحده آمریکا از توافق، «شوک» و «تنش» آنچنانی به اقتصاد وارد شده و معیشت روزمره مردم، بیشتر از گذشته، در سراشیبی قرار گیرد. به این ترتیب، وضع معیشتی و دشوار کنونی مردم، حاصل مستقیم «بی برنامگی و بی عملی اقتصادی» و «تکیه کردن بر نتیجه مذاکرات و توافقات با غرب»، برون دادِ الگویی نادرست در روابط خارجی و هندسه دیپلماتیک غیر درونزا است.

متأسّفانه، با وجود این‌که انتظار می رود کارگزاران تکنوکرات و پشتیبانان تئوریک شان، از مردم برای وعده های خام و نسنجیده ای که داده و با الگوی منجر به توقف توسعه غیرایرانی برخی صنایع ازجمله صنعت هسته ای شده و اقتصاد و معیشت ایرانیان را از چاله به چاه افکندند، عذرخواهی و اظهار پشیمانی کنند، پیش دستانه و فرافکنانه به افکار عمومی القاء می‌کنند که باید مسیر مذاکره و گفت و گو را همچنان گشوده نهاد و بجای ایرانیان به آنها امید بست.

و) دروغی به نام حاکمیت دوگانه

در این بیانیه، بر وجودِ بحرانِ یکپارچگی در درونِ نظامِ سیاسی تأکید و تصریح شده کسانی که در حاکمیّت حضور دارند هدف‌های متعارض را دنبال می‌کنند. این سخن بدان معناست که حاکمیّتِ دوگانه شکل گرفته و نظام اسلامی، دچارِ تشتّت و دوپارگی شده است. چنانچه تفسیرِ یاد شده، صوابِ و روا باشد، آیا پاره ای از نظام سیاسی باید خویش را با دیگری هماهنگ و همگون سازد تاَ یکپارچگی و همگرایی، بازسازی شود و بر ذهنیّتِ تمام نیروهای مدیریتیِ مستقر در درونِ قدرت، غلبه یابد؟! این پرسش در قانون اساسی، بی‌پاسخ نمانده است؛ قانونِ اساسی در آنجاکه تعیینِ سیاست‌های کلّیِ نظام را برعهدهٔ رهبرِ انقلاب نهاده، روی حاکمیّتِ دوگانه و چندگانه، خطِ بطلان کشیده و کلّیتِ نظام را در مَدار و مسیرِ واحدی قرار داده است. نیروهای لیبرال و تکنوکرات، با این‌که بر قانون‌مَداری و اصالتِ قانونِ اساسی اصرار می ورزند، می خواهند در مجراها و سازوکارهای قبیله ای و محفلیِ مرکّب از نیروهای سیاسیِ عمل گرا و شکست خورده، سرنوشتِ انقلاب و نظام را مشخّص کنند، درحالی‌که در قانونِ اساسی، چنین خلائی وجود ندارد تا حاجت به چاره اندیشی های نامتوازن باشد.

ادامه در صفحه۴

خبر

با حکم مقام معظم رهبری؛

حجت‌الاسلام کریمی‌تبار ،نماینده ولی‌فقیه و امام جمعه ایلام شد

رهبر معظم انقلاب اسلامی طی حکمی حجت‌الاسلام کریمی‌تبار را به عنوان نماینده ولی‌فقیه و امام جمعه ایلام منصوب کردند.به گزارش حوزه امام و رهبری گروه سیاسی خبرگزاری آنا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی طی حکمی حجت‌الاسلام کریمی‌تبار را به عنوان نماینده ولی‌فقیه و امام جمعه ایلام منصوب کردند. متن حکم رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب حجهٔ‌الاسلام آقای حاج شیخ الله‌نور کریمی تبار دامت‌افاضاته

در پی استعفای جناب حجهٔ‌الاسلام آقای لطفی دامت توفیقاته از امامت جمعه ایلام، با قدردانی و تشکر از خدمات چندین ساله ایشان، جنابعالی را که از میان مردم مؤمن و وفادار آن استان برخاسته و مدت‌ها به خدمت در آن سامان اشتغال داشته و بحمدالله از صلاحیت لازم برخوردار می‌باشید، به امامت جمعه و نمایندگی خود منصوب می‌کنم.

مردم عزیز آن استان مرزی، دوران‌های دشواری را در سال‌های دفاع مقدس و پس از آن گذرانیده و با همه مشکلات، وفاداری خود به نظام اسلامی را حقاً به اثبات رسانیده‌اند. اکنون جنابعالی در میان این مردم بزرگوار و فداکار به قبول وظیفه سنگینی مفتخر گشته‌اید. انتظار می‌رود با همه توان در خدمتگزاری به آنان کوشیده و با تقویت مجموعه‌های دلسوز و انقلابی به مجاهدات فکری و عملی در زمینه‌های گوناگون مدد رسانید. ارتباط نزدیک و صمیمی با جوانان و سلوک مردمی با همگان و بهره‌گیری از نخبگان و دانشگاهیان را توصیه می‌کنم و مزید توفیقات الهی را برای جنابعالی مسألت می‌نمایم.

سیّد علی خامنه‌ای
۱۷ مهرماه ۱۳۹۷»

کارشناس مسائل سیاسی:

«سی اف تی» به امنیت ملی آسیب می‌رساند

کارشناس مسائل سیاسی گفت: «سی اف تی» به امنیت ملی آسیب می‌رساند. محمدحسن آصفری در گفت و گو با خبرنگار حوزه احزاب گروه سیاسی خبرگزاری آنا ، در رابطه با تأثیرگذاری تصویب «سی اف تی» در مجلس بر امنیت ملی گفت: نمایندگان مجلس بدون در نظر گرفتن امنیت ملی لایحه‌ای را تصویب کردند که نه تنها امنیت ملی را تأمین نمی‌کند بلکه ممکن است به آن هم آسیب برساند. وی با بیان اینکه این طرح در مشکلات اقتصادی گره‌گشایی انجام نمی‌دهد، افزود: نمایندگان یاد گرفته‌اند که ریشه حل تمام مشکلات را در مذاکره با آمریکا و غرب بدانند و این یک آفت برای سیاست خارجی و اقتصاد کشور محسوب می‌شود. در صورتی‌که در گذشته قراردادی به‌نام برجام تصویب شد که تا به امروز هیچ‌گونه گره‌گشایی نکرده است؛ پس چرا باید یک اشتباه را دو بار تکرار کرد. آیا بهتر نیست در داخل ریشه‌یابی درستی از مشکلات صورت گیرد.آصفری افزود: تا زمانی‌که نمایندگان ما استقلال رأی و فکری نداشته باشند و فهم دقیقی از منافع ملی در میان آن‌ها دیده نشود، چنین تصمیم‌گیری از جانب آن‌ها امری عادی است و نباید انتظار تصمیم‌گیری درست داشت.

به مناسبت سالگرد شهادت حضرت رقیه (س)؛

موکب شهدای موتلفه اسلامی در تهران برپا می‌شود

موکب شهدای موتلفه اسلامی به مناسبت ایام عزای اهل بیت و سالگرد شهادت حضرت رقیه (س) به همت حزب موتلفه در تهران برپا می‌شود.به گزارش خبرگزاری مهر، موکب شهدای موتلفه اسلامی به مناسبت ایام عزای اهل بیت و سالگرد شهادت حضرت رقیه(س) به همت حزب موتلفه اسلامی در تهران برپا می‌شود. این موکب از امروز پنج شنبه ۱۹ مهرماه مصادف با اول ماه صفر به مدت پنج شب در میدان شهدا واقع در خیابان ۱۷ شهریور تهران از اذان مغرب پذیرای عموم مردم و عزاداران حسینی خواهد بود.

نقوی‌حسینی:

جابه جایی وزرا مورد پذیرش مجلس نیست

سخنگوی فراکسیون ولایی مجلس گفت: جابه جایی وزرا مورد پذیرش مجلس نیست. سید حسین نقوی‌حسینی در گفت و گو با خبرنگار مهر اظهار داشت: یکی از مطالبات مجلس و افکار عمومی این است که دولت مدیریت و تیم اقتصادی‌اش را تغییر دهد زیرا با این تیم و با این نوع مدیریت و سیاستگذاری اقتصادی، به جایی نمی‌رسد.وی گفت: بحران‌های امروز اقتصاد کشور مانند کاهش ارزش پول ملی، افزایش نرخ ارز و دلار و طلا، گرانی‌های لجام گسیخته و تعطیلی کارخانه‌ها حاصل سیاستگذاری‌های این تیم اقتصادی است. بنابراین قطعا این تیم اقتصادی نمی‌تواند به اهداف مورد نظر برنامه ششم دست یابد و مشکلات کشور را رفع کند.سخنگوی فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس با بیان اینکه دولت ظاهرا قصد جابه جایی وزرا را دارد و از تغییر خودداری می کند، تصریح کرد: جابه جایی مهره‌ها نتیجه بخش نخواهد بود و به نظر می‌رسد مجلس از جابجایی مهره‌های دولت استقبال نکند.

طباطبایی‌نژاد:

«سی اف تی» ابزاری در دست دشمن برای تسلط بر دیگر کشورهاست

عضو هیئت رئیسه فراکسیون نمایندگان ولایی گفت: «سی اف تی» ابزاری در دست دشمن برای تسلط بر دیگر کشورهاست.حجت الاسلام سید صادق طباطبایی‌نژاد، در گفت و گو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری دانشجو، با اشاره به اظهارات برخی موافقان لوایح مربوط به «اف ای تی اف» مبنی بر اینکه مخالفان با این لوایح به دلیل فرار از شفافیت مالی و به خطر افتادن منافع شان با این لوایح مخالفت می کنند، اظهار داشت: درست نیست بخواهیم تمامی زوایای پیدا و پنهان اقتصادی کشور را در اختیار کسانی قرار دهیم که از نیات آنها باخبر نیستیم. وی با تاکید براینکه نباید تمامی اطلاعات خود را تقدیم دشمن کنیم، افزود: تا پیش از این راه گریزی برای دور زدن تحریم‌های اقتصادی داشتیم، اما تصویب این لوایح ابزاری برای تحت فشار قرار دادن بیشتر کشور و افزایش تحریم‌ها علیه ما خواهد شد.طباطبایی‌نژاد با بیان اینکه طبق فرموده رهبری ما نیز به نیت کسانی که این کنوانسیون‌ها را ایجاد کرده اند بد گمان هستیم، خاطرنشان کرد: چنین لوایحی را ابزاری در دستان دشمن برای تسلط بر کشورهای دیگر می‌دانیم و معتقدیم اگر این لوایح مفاد خوبی دارد خودمان می‌توانیم آن مفاد را به صورت قانون درآوریم.

آیت‌الله نوری‌همدانی:

شورای نگهبان با دقت لایحه «اف ای تی اف» را بررسی کند

استاد برجسته حوزه علمیه قم گفت: شورای نگهبان با دقت لایحه «اف ای تی اف» را بررسی کند.به گزارش خبرگزاری تسنیم از قم، آیت‌الله حسین نوری‌همدانی در جلسه درس خارج فقه خود با اشاره به مسئله گرانی و وضعیت معیشت مردم اظهار داشت: مردم به‌وضوح گرانی‌ها را احساس می‌کنند که بسیار نگران‌کننده است، از مسئولان می‌خواهیم نظارت بیشتری به گران‌شدن کالاها داشته و به مشکلات مردم رسیدگی کنند.وی به لایحه «اف ای تی اف» اشاره کرد و ادامه داد: ما نظر خود را در این رابطه اعلام کردیم و آیندگان قضاوت خواهند کرد.وی بررسی لایحه «اف ای تی اف» از سوی شورای نگهبان را مورد اشاره قرار داد و گفت: برای اینکه این لایحه مخالفتی با شرع و قانون اساسی نداشته باشد، باید شورای نگهبان با دقت این قرارداد را بررسی کند.

رئیس مجلس:

برجام در پی تقاضای رئیس‌جمهور سابق آمریکا صورت گرفت

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: برجام در پی تقاضای رئیس‌جمهور سابق آمریکا صورت گرفت.به گزارش حوزه مجلس گروه سیاسی خبرگزاری آنا، علی لاریجانی در حاشیه برگزاری اجلاس مجالس بین کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا در دیدار رئیس مجلس صربستان با تأکید بر اینکه روابط اقتصادی بین دو کشور ایران و صربستان باید توسعه یابد، گفت: هم‌اکنون زمینه همکاری بین این دو کشور فراهم شده است، ضمن اینکه با توجه به سوابق تاریخی، همکاری بین این دو کشور باید از این ظرفیت استفاده شود.وی افزود: البته بعد از خروج آمریکا از برجام مشکلاتی ایجاد شد و این اقدام نامناسبی بود که از سوی این کشور صورت گرفت، چراکه برجام حاصل سه سال مذاکره بوده که در پی تقاضای رئیس‌جمهور سابق آمریکا صورت گرفته بود.لاریجانی با یادآوری اینکه ایران بر اجرای مفاد برجام پایبند می‌ماند، تصریح کرد: هم‌اکنون مذاکراتی بین ایران و اتحادیه اروپا شکل گرفته است، بنابراین تلاش می‌کنیم در چارچوب توافق به فعالیت خود ادامه دهیم.وی با بیان اینکه مسئله تروریسم بسیار مهم است، بر ضرورت مقابله با آن تأکید کرد.